



دروس
اشارات و تنبيهات

نمبر دوم: فی الطبیعیات

حضرت علامہ حسنہ زادہ آملی

.....
به اهتمام:
حیدر ضیائی

■
انتشارات آیت اشراق

سرشناسه	: حسن زاده، حسن
عنوان قراردادی	: الاشارات و التنبیهات. شرح
عنوان و نام پدیدآور	: دروس شرح اشارات و تنبیهات: نمط دوم: (طبیعیات) / حسن حسن زاده به
مشخصات نشر	: اهتمام حیدر ضیایی
مشخصات ظاهری	: قم: آیت اشراق، ۱۳۹۳
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۱۲-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۶۱-۲۷۳: همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه
موضوع	: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۲۷۰-۴۸۲ ق. الاشارات و التنبیهات-تقد و تفسیر
موضوع	: فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	: علوم طبیعی - متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۲۷۰-۴۸۲ ق. الاشارات و التنبیهات-برگزیده، شرح
شناسه افزوده	: ضیایی، حیدر مصحح.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۵۴ ج ۴۱۵ / BRR
رده بندی دیوبی	: ۱۸۵/۱



انتشارات آیت اشراق

دروسی شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا نمط دوم: فی الطبیعیات حضرت علامه حسن زاده آملی

■ ابن سینا/ خواجه نصیرالدین طوسی ■ تقریرات دروس حضرت علامه حسن زاده آملی

■ به اهتمام: حیدر ضیایی ■ ناشر: آیت اشراق ■ نوبت چاپ: اول، ۹۳

■ تیراژ: ۱۰۰۰ ■ چاپ: گل وردی

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۱۲-۶

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۸۶.

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۴۶۱۰ / نمایر: ۰۲۵ ۳۷۷۴۹۶۲۸

پیام کوتاه: ۰۹۳۷۳۹۷۱۹۵۴

www.eshraqco.com

E-mail: info@eshraqco.com

ayat.eshraq@gmail.com

تمامی حقوق آثار انتشارات آیت اشراق برای ناشر محفوظ بوده،
و کپی از آنها به هر شکلی (دیجیتالی، صوتی، تلخیص و ...) ممنوعیت قانونی و شرعی دارد.

فهرست

مقدمه.....	۱۱
النمط الثانى: فى الجهات اجسامها الاولى والثانيه.....	۱۹
الفصل الاول.....	۲۱
اشاره.....	۲۱
تفاوت موجودات.....	۲۶
همت والا.....	۲۶
معناى وجه.....	۲۷
وجه الله كجاست ؟.....	۳۱
الفصل الثانى.....	۴۳
فى امتناع الحركه المستقيمة على مُحَدِّدِ الْجَهَاتِ.....	۴۳
إشارة.....	۴۳
تفاوت مركز ثقل با مركز حجم.....	۴۶
قرآن كتاب دستور العمل است.....	۵۲

۵۳	رعايت اصطلاحات
۵۷	الفصل الثالث
۵۷	تذنيب
۶۱	رؤيايى عجيب:
۷۹	الفصل الرابع
۷۹	إشارة
۸۸	ايمان به غيب
۹۰	اهميت كتاب تجريدالاتحاد
۹۳	الفصل الخامس
۹۳	اشارة
۹۷	دقت در فهم كلمات بزرگان
۱۱۹	الفصل السادس
۱۱۹	في اثبات الميل
۱۱۹	تنبيه
۱۲۳	ثابت بن قزّه و جاذبه زمين
۱۲۴	چرا حرکت جسم نیاز به وجود ميل دارد؟
۱۲۵	اقسام تخلخل و تکاثف
۱۳۱	مراعات ادب در گفتار

الفصل السابع.....	١٤٥
اشاره	١٤٥
تذکر:	١٥٣
آفت علم	١٦٢
رعايت حريم بزرگان	١٦٢
الفصل الثامن.....	١٦٥
تذکیر	١٦٥
الفصل التاسع.....	١٦٧
وهمّ وتنبیه	١٦٧
الفصل العاشر.....	١٧٧
اشاره	١٧٧
الفصل الحادى عشر.....	١٨١
إشارة	١٨١
الفصل الثانى عشر.....	١٩١
تنبیه	١٩١
الفصل الثالث عشر.....	١٩٣
تنبیه	١٩٣
الفصل الرابع عشر.....	١٩٧

۱۹۷	إِشَارَة
۲۰۰	تبدل رأى بوعلی
۲۰۵	الفصل الخامس عشر
۲۰۵	وَهُمْ وَتَنْبِيْهٌ
۲۰۹	الفصل السادس عشر
۲۲۱	آثار قلمی شیخ الرئیس
۲۲۵	الفصل السابع عشر
۲۲۵	تَنْبِيْهٌ
۲۳۳	روح بخاری چیست ؟
۲۴۵	حشر انسان با عوالم وجود:
۲۴۹	الفصل الثامن عشر
۲۴۹	تَنْبِيْهٌ
۲۵۳	عظمت فارابی
۲۶۲	نظام آفرینش حاکی از وحدت صنع است:
۲۷۱	الفصل التاسع عشر
۲۷۱	تَنْبِيْهٌ
۲۷۷	الفصل العشرون
۲۷۷	فی إثبات الکوّن وَ الفَسَادِ فی العنّاصر
۲۷۷	تَنْبِيْهٌ

۲۹۷.....	فرق جسم و جسد
۳۰۳.....	الفصل الحادى والعشرون
۳۰۳.....	فى انّ العناصر منحصرة فى اربعة
۳۱۵.....	الفصل الثانى والعشرون
۳۱۵.....	فى بيان كيفية تولد المركبات من الاصول الاربعة
۳۱۵.....	تَنْبِيْهٌ
۳۴۴.....	دقت در اصطلاحات :
۳۴۷.....	الفصل الثالث والعشرون
۳۴۷.....	وهم وتنبيه
۳۵۹.....	الفصل الرابع والعشرون
۳۵۹.....	وَهُمْ وَتَنْبِيْهٌ
۳۶۷.....	الفصل الخامس والعشرون
۳۶۷.....	نُكْثَةٌ
۳۷۹.....	الفصل السادس والعشرون
۳۷۹.....	تَنْبِيْهٌ
۳۸۳.....	توصيه اى مشفقانه :
۳۸۵.....	نمايه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَحَاتَمَ نُجُومَهُ الَّذِي بَعَثَهُ فِي الْأُمِّيَّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ
آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَ آلَ الْطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ وَاللَّغْنَ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

هر موجود زنده‌ای در این عالم امکانی در بقاء و سیر تکاملی خود نیازمند تغذیه
است، که نرسیدن غذا، موجب تحلیل و ضعف و در نهایت نابودی او می‌گردد، لکن
غذای هر مغتذی مسنخ با او می‌باشد.

بداند آنکه در علم است راسخ غذا با مغتذی باشد مسنخ^۱

غذای موجود مادی از سنخ مادیات است و غذای موجود مجرد از سنخ
مجردات است، و حقیقت انسان همان نفس اوست و نه بدن و جسم او، که بدن و
جسم او دائماً در تغییر و تبدل است و آنچه که از انسان باقی و پایدار است و تشخص
و قدر و منزلت آدمی به واسطه اوست، نفس ناطقه اوست و نه بدن و شکل و شمایل
ظاهری و جسد مادی او که:

۱. علامه حسن زاده آملی، دیوان اشعار، دفتر دل، باب ۴.

گر به صورت آدمی انسان بُدی احمد و بوجهل هم یکسان بُدی^۱
 و در جای خود با براهین متعدّد و متقن ثابت شده است که نفس انسانی از
 سنخ مجرّدات است و علامه ذوالفنون حضرت آیه الله حسن زاده آملی (حفظه الله
 تعالی) در موارد متعدّدی از آثار خود از جمله در کتاب (مجموعه مقالات)
 آورده اند: «نگارنده تاکنون بیش از هفتاد دلیل عقلی در تجرّد نفس ناطقه انسانی به
 اطلاق از اعظم حکمای الهی تحصیل کرده است، چنانچه ادله نقلی بسیار هم
 گردآورده است و همه را در یک رساله تدوین نموده است که امید است تنظیم گردد و
 به محضر طالبان حقیقت تقدیم شود.»

ظاهراً مراد آن حضرت از رساله مذکور کتاب (گنجینه گوهر روان) است که در آن
 ۶۶ دلیل عقلی در تجرّد نفس ناطقه و ۵۰ دلیل هم بر مقام فوق تجرّد آن اقامه فرموده اند،
 که نفس انسانی نه تنها مجرّد است بلکه از تمام (لایقی) برخوردار است، برخلاف
 دیگر موجودات، حتی ملائکه الله که از لسان آنها در قرآن مقدّس آمده «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ
 مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» و لذا مولی علی (علیه السلام) فرمودند: «كُلُّ وَاعٍ بَصِيْقٌ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ
 فَإِنَّهُ يَتَسَعُّ بِهِ» هر ظرفی به واسطه آنچه که در او ریخته می شود دچار ضیق در ظرفیت
 می گردد جز ظرف علم (یعنی نفس ناطقه) که هر چه در او ریخته شود وسعت بیشتری
 پیدا می کند.

بنابراین نفس انسانی هم طالب غذا است و چون مجرّد است، غذای او هم باید
 از سنخ او باشد، و غذای مجرّد، علم است، دانش است که از جمله مجرّدات است.
 اقتضای جان چوای دل آگهی است هر که آگاه تر جانش قوی است^۲

۱. مولوی، مثنوی، دفتر اول.

۲. مولوی، مثنوی، دفتر ششم.

و اما علم و دانش متنوع است، بخشی از آن مربوط به امور مادی و دنیوی است و بخشی دیگر مربوط به امور معنوی و اخروی است و تفاوت این دو همانند تفاوت بین دنیا و آخرت است و لذا در رأس همه علوم، علوم الهی است که شرافت هر علمی به شرافت موضوع آن است، و البته علوم الهی هم متنوع و دارای رشته های گوناگون از قبیل فقه، اصول، کلام، فلسفه، عرفان، تفسیر، حدیث، ... می باشد که هدف نهایی و غرض اصلی در همه این رشته ها، معرفت باری تعالی و ارائه راه کارهایی جهت قرب به او است، لکن هر رشته ای به زبان و اصطلاح خاص خود، این هدف را تعقیب می نماید، هم فقیه و هم متکلم و هم فیلسوف الهی و هم عارف بالله و هم مفسر و هم محدث می گوید خدا را لکن با زبان و اصطلاح خاص خود که :

هر کسی را سیرتی بنده الهی	هر کسی را اصطلاحی داده ایم
هندیان را اصطلاح هند مدح	سندیان را اصطلاح سند مدح
در حق او مدح و در حق تو ذم	در حق او شهد و در حق تو ستم
در حق او نور و در حق تو نار	در حق او برد و در حق تو خار

اگر کسی اصطلاحات هر قوم و صاحب رشته ای را بداند، این طالب را تصدیق می نماید و الا مسیر رد و انکار و تکفیر را پیشه می کند، البته جز معصومین علیهم السلام کسی مصون از خطا^۱ و اشتباه نمی باشد، هر قدر هم از جهت علمی در مقامی عالی قرار گرفته باشد چون فقط دایره عصمت است که در آن هیچ خطا و لغزشی راه ندارد و بیرون از آن چه این که فقیه باشد یا متکلم و یا فیلسوف و یا عارف بالله... در معرض لغزش و خطا و اشتباه می باشد، لکن بسیاری از نزاع ها و رد و انکارها، میان اهل رشته های گوناگون علمی بر اساس عدم آگاهی و ناآشنایی نسبت به مراد و معانی

۱. مولوی، منوی، دفتر دوم.

۲. مولوی، منوی، دفتر دوم.

اصطلاحات صاحبان آن رشته خاص است و نظیر جریانی است که مولانا در مثنوی آورده است:

چارکس را داد مردی یکدرم	هریکی از شهری افتاده بهم
فارسی و ترک و رومی و عرب	جمله با هم در نزاع و در غضب
فارسی گفتا از این چون وارهم	هم بیا کاین را به انگوری دهیم
آن عرب گفتا معاذالله لا	من عنب خواهم نه انگورای دغا
آن یکی کز ترک بود گفت ای گُرم	من نمی خواهم عنب خواهم اوزم
آن که رومی بود گفت این قیل را	ترک کن خواهم من استاقیل را
در تنازع مشّت برهم می زدند	که ز سرنام ها غافل بُدند
مشّت برهم می زدند از ابلهی	پُردند از جیل و از دانش تهی
صاحب سَرّی عزیزن محم زبان	گر بُدی آنجا بدادی صلحشان
پس بگفتی او که من زین یکدرم	آرزوی جمله تان را می خرم

همه بزرگان بر این باوراند که تصدیق فرع بر تصوّر است و تا انسان مطلبی را خوب تصوّر ننماید، نمی تواند آن را تصدیق نماید، لکن تکذیب هم فرع بر تصوّر است تا مطلبی درست تصوّر نگردد و آگاهی و علم به مراد و مقصد گوینده یا نویسنده حاصل نگردد، نمی توان آن را تکذیب نمود.

از جمله عالمان دینی، فلاسفه الهی اند که اینان نیز با اعتماد بر روش های عقلی و بیانات برهانی در مقام تبیین و دفاع از آموزه های دینی در بعد حکمت نظری و حکمت عملی برآمدند و البته با اصطلاحات و قواعد خاص خودشان، و تاریخ درخشان اسلامی ما اگرچه شاهد ظهور فلاسفه بزرگی بوده است، لکن در رأس آنها، خصوصاً در حکمت مشاء، جناب شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا بوده است، که اگرچه در رشته های گوناگون علوم تخصص داشت، لکن عمده شهرت او در رشته فلسفه می باشد و در این زمینه آثار قلمی متعدّدی به یادگار گذاشته است که از جمله آخرین آن آثار کتاب (الاشارات و التنبیهات) است، که یک دوره منطق و

فلسفه فشرده و موجزو سنگین است و لذا شروح متعددی بر آن نگاشته شده است که مهم‌ترین و جامع‌ترین آنها، شرح جناب خواجه نصیرالدین طوسی است و این شرح به عنوان کتاب درسی، در حوزه‌های علوم دینی برگزیده شده است و در طول سالیان متمادی در مقام تدریس و تدرّس قرار گرفته است و در این عصر و زمان ما از جمله کسانی که بحق متصدی تدریس آن بوده‌اند، علامه ذوالفتون، عارف بالله، فانی فی الله، جامع معقول و منقول حضرت آیه الله العظمی حسن حسن‌زاده آملی (حفظه الله تعالی) می‌باشند که خود مجتهد و متخصص در عموم رشته‌های علمی متداول در حوزه‌های علمیّه قایم و جدید یعنی علم فقه، اصول، کلام، فلسفه، عرفان، تفسیر، حدیث، طب، ریاضیات، هیئت، جفر، حروف، اعداد، ... می‌باشند و وارث اندیشه‌های علمی و آداب معنوی و معنوی بسیاری از اسطوانه‌های علم و عمل در دهه‌های اخیر همانند: علامه شعرانی، علامه فیضی قزوینی، علامه فاضل تونی، علامه میرزا مهدی الهی قمشه‌ای، علامه حاج شیخ محمد تقی آملی، علامه آقا سید محمد حسن الهی طباطبائی، علامه آقا سید محمد حسین طباطبائی رحمته الله هستند، و بنده توفیق تلمذ و خوشه چینی از محضر پربخت آن حضرت در دوره چهارم تدریس کتاب اشارات را داشته‌ام، همانطور که سالیان متمادی افتخار حضور در درس‌های دیگر ایشان از جمله درس اسفار، شرح فصوص الحکم، مصباح الانس، هیئت و ریاضیات نصیبم گشت که «هذا من فضل ربّی».

از آنجایی که کتاب اشارات مشتمل برده نمط می‌باشد و دروس هشت نمط آن یعنی غیر از نمط اوّل و دوّم آن توسط دوستانی از فضلاء حوزه علمیّه قم از حالت گفتاری حضرت استاد به صورت نوشتاری درآمده بود، این دو نمط باقی مانده به بنده واگذار شده تا با انجام آن، بهره‌گیری از افاضات حضرت استاد در تدریس کتاب

اشارات برای طالبین و مشتاقان کامل گردد، لذا نوارهای درسی توسط عزیزی پیاده شد و در اختیار بنده قرار گرفت و اینجانب با اشرافی که بر روش تدریس حضرت استاد به برکت سالها خوشه چینی از محضر پرفیضش داشتم از حالت گفتاری به صورت نوشتاری درآورده‌ام و البته اگرچه هریک از این دو آداب و قواعد خاص خود را می‌طلبد، لکن تلاش بر این بود که اگر در مواردی بر حسب ضرورت می‌بایست الفاظی تغییر یابد و یا جابجا گردد، به مقصد و مراد آسیبی وارد نگردد.

مسلم آنکه نواقص و نارسایی‌های این اثر مربوط به این بنده و شیرینی و شیوایی تقریر کلام ماتن و شارح از آن حضرت استاد (حفظه الله تعالی) می‌باشد که با احاطه کامل بر مشرب‌های فلسفی و مبانی حکمی توانستند به نحو احسن، مراد و مقصود ماتن و شارح کتاب را تبیین نمایند و با بیان نکات عرفانی و مسائل تربیتی و نصایح آموزنده معنوی در اثناء تدریس بر جدات و شیرینی آن بیافزایند.

در خاتمه از مدیر محترم انتشارات آید اوراق قم جناب آقای سید تاج‌الدینی (زید عزّه العالی) که در نشر معارف الهیه و ادب و فرهنگ ناب اسلامی و قرآنی سعی و کوشا هستند، نهایت تشکر و سپاس را دارم که مساعدات و زمینه تحقق این اثر را فراهم نمودند، امید آنکه بقاء سلامتی و دوام عمرشان موجب گسترش هرچه بیشتر حقایق فرهنگ زلال الهی و قرآنی گردد. انشاء الله تعالی

قم المقدسه - حیدر ضیائی نوری

۱۳۹۳/۷/۴ هـ ش